

عنوان مقاله:

واکاوی مضامین اساطیر ایرانی در شعر دوره سلجوقی با تکیه بر دیوان امیر معزی

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

نازبین صاحبی - دانشجوی ارشد رشته آموزش زبان فارسی

اقدس رضایی - دانشجوی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

آیناز مریدی - کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

اسطوره از کهنترین و مهمترین برساخته های ذهن بشر است. اسطوره، روایتی نمادین از هستی است که به مسائل کلان و بنیادین از قبیل پیدایش جهان و اجزایش و سرانجام جهان میپردازد و به رغم نبود پشتوانه تاریخی و علمی، برای باورمندان حقیقتی قدسی، والا و قطعی است. در اوایل روزگار شعر پارسی، در عصر سامانی و اوایل غزنوی، عناصر اساطیری و نیز حماسه های ایرانی با رویکرد مثبت به طور چشمگیر مشاهده میشود، اما با تحکیم قدرت دولتهای غزنوی و به ویژه سلجوقی در ایران، شاهد کاهش یافتن و تفاوت یافتن شیوهتوجه به اساطیر و حماسه های ایرانی هستیم. به سبب حاکمیت یافتن دولتهای نایرانی و طول مدت حکومتشان، توجه از بالا به حماسه ها و اساطیر ایرانی کاهش یافت و به تبع آن از توجه عامه مردمان نیز به این مقوله کاسته شد. شاعران مدیحه سرانیز بنا به طبع و پسند ممدوحان تازه، از پرداخت به اساطیر ایرانی یا پرداخت مثبت به آن سرباززدند و آن گاه که مضامین اساطیر ایرانی را در شعر خود به کار گرفتند، اغلب برای خوارداشت شاهان و قهرمانان ایرانی با هدف بزرگداشت ممدوحان نایرانی بود. همچنین اساطیر ایرانی به طرز وسیعی با اساطیر سامی درآمیخت و رنگ و بوی عربی و اسلامی گرفت. در این مقاله برآنیم که با جستجو در اشعار امیر معزی به روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی شیوه های کاربرد اساطیر ایرانی در شعر عصر سلجوقی بپردازیم. یافته های این مقاله گویای آن است که حضور اساطیر در شعر مدحی سلجوقی، از حالت غایت بودن خارج شده و بیشتر دستمایه ای برای مضمون سازی است و شخصیت های اساطیر ایرانی بیشتر نقش معیار سنجش برای تعظیم و بزرگداشت ممدوح دارند و به همین سبب گاه با کوچک داشت قهرمانان اساطیر ایرانی مواجهیم.

کلمات کلیدی:

امیر معزی، اسطوره، شعر فارسی، عصر سلجوقی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1319248>

